

اشتراکات من و یک

عاصی گرفتار



پرده اول:

کثیف‌ترین حشره عالم

سوسک از کثیف‌ترین حشرات عالم است. از دیرباز انسان‌ها از سوسک به دلیل ظاهر مشتمز کننده آن متنفر بوده‌اند و به جهت کثیفی و همین ظاهر وحشتناک!! از آن می‌ترسیدند. سوسک حشره‌ای است کثیف با عادات نامطلوب و همه‌چیزخوار. این حشره حتی گاهی اوقات (با عرض معذرت) از مدفوع، خلط سینه، و هر چیز کثیف دیگری تغذیه می‌کند و این چیز هرچه کثیف‌تر باشد! از نظر سوسک لذیذتر است!! (باز هم با عرض معذرت)

محل زندگی سوسک نیز کثیف‌ترین جاهاست. سوسک در مکان‌های تمیز و پاکیزه نمی‌تواند زندگی کند. حتی بعضی از انواع سوسک لانه خود و محل زندگی خود را از مدفوع حیوانات می‌سازند. سوسک ناقل بسیاری از بیماری‌هاست و طیف بررسی‌های انجام شده تعداد زیادی از باکتری‌ها، ویروس‌ها و انگل‌های تک یاخته را با پاها و قطعات دهانی و فضولات خود منتقل می‌کند.

از سوسک بوی نامطبوع و تهوع‌آوری خارج می‌شود که مربوط به مایع روغنی شکلی است که از خود خارج می‌نماید و ظروف و مواد غذایی را آلوده می‌کند.

این‌ها بخش کوچکی از آلودگی و کثیفی سوسک بود.

پرده دوم:

سرگین شفا بخش سگ!!

مولوی در مثنوی داستان دباغی را نقل کرده است که وقتی به بازار عطاران رسید تحمل بوی خوش را نداشت و بی‌هوش روی زمین افتاد.

آن یکی افتاد بی‌هوش و خمید

چون که بر بازار عطاران رسید

هم چو مردار اوقناد آن بی‌خبر

نیم‌روز اندر میان ره‌گذر

مردم هرچه کردند و هر دارویی به‌کار بردند نتوانستند مرد دباغ را به هوش بیاورند تا این‌که خبر به برادرش رسید و او بالای سر دباغ آمد و به طوری که مردم متوجه نشوند چیزی را زیر بینی

او گرفت که بر اثر آن دباغ به هوش آمد.

خلق را می‌راند از وی آن جوان
تا علاجش را نینند آن کسان
سر به گوشش برد همچون رازگو
پس نهاد آن چیز بر بینی او
کو به کف سرگین سگ ساییده بود
داروی مغز پلید آن دینه بود
ساعتی شد مرد جتیندن گرفت
خلق گفتند این فسونی بُد شگفت

پرده سوم:

وقتی لوامه را رها کردم

از وقتی بد و خوب را از هم تشخیص دادم با 'لوامه' (۱) آشنا شدم و همیشه همراهم بود و چه‌قدر همراه خوبی بود. هر وقت که می‌خواستم خودم را آلوده کنم یا به محض این‌که آلوده می‌شدم، به من نهیب می‌زد که مراقب خودت باش و خود را پاک کن. اما من به حرف‌هایش گوش نمی‌دادم و کم‌کم فاصله من و لوامه زیاد شد و با این‌که همیشه همراهم بود به اندازه چند سال نوری از هم فاصله داشتیم.

طبعم عوض شد و نه تنها از آلودگی و کثافات ناراحت نمی‌شدم بلکه احساس می‌کردم که بدون آن‌ها زندگی بی‌معناست. اصلاً آن‌ها را کثیف نمی‌دیدم. تا این‌که یک شب از جایی خیلی پاک رد می‌شدم که صدای مناجات از آن به گوش می‌رسید، ولی برای من هیچ زیبایی نداشت و با این‌که آن‌جا واقعا بوی بهشت می‌داد، من تحمل آن را نداشتم و می‌خواستم هرچه سریع‌تر از آن‌جا بیرون بروم.

لوامه دوباره به سراغم آمد و آن‌جا بود که فهمیدم:

من از بوی گندی که ملائکه را در عرش

آزار می‌دهد، لذت می‌برم. (۲)

من به راحتی گوشت گندیده مردار و

برادران خودم را می‌خورم و مشکلی ندارم. (۳)

من چرک و خون و کثافات را به راحتی

مصرف می‌کنم. (۴)

من ناقل انواع میکروب‌هایی هستم که

انسان‌ها را با لوامه دشمن می‌کند. (۵)

در اطراف من با کثافت‌هایی که خودم جمع کرده‌ام، پرده‌های ضخیمی کشیده شده است که دیگر نمی‌توانم زیبایی‌ها و حقایق عالم را ببینم و از روشنایی محروم مانده‌ام، ولی تاکنون فکر می‌کردم در قلب روشنایی‌ام. (۶)

و خلاصه تمام زندگی من در لذت‌طلبی و پر کردن شکم می‌گذرد.

پرده چهارم:

فکر خوردن مدفوع

بکثرت از حضرت آیت‌الله حجت پرسیدم: چگونه می‌شود که معصومین نه تنها گناه نمی‌کردند، بلکه به گناه فکر هم نمی‌کردند.

ایشان در جواب فرمود:

«آیا شما تا الان که دستشویی رفته‌اید گاهی هم فکر خوردن آن کثافات را کرده‌اید.»

آن شخص جواب داد: «خیر»

ایشان هم فرمود: «گناه هم نسبت به معصومین همین‌گونه است، یعنی آن‌ها آنقدر به خبیلت و پستی گناه یقین دارند که تو به پستی کثافات یقین نداری.» (۷)

پرده پنجم:

ارزش شکم پرست

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

«هر که همتش فقط مصروف آن باشد که چیزی در شکمش داخل کند قدر و قیمتش به اندازه چیزی است که از شکمش خارج می‌گردد.» (۸)





**پرده ششم:
یک سؤال!؟**

به نظر شما یک سوسک چه قدر می‌ارزد؟! آدمی چه قدر؟!
امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

«کسی که به شرف معنوی و کرامت نفس خود عقیده دارد با پلیدی گناه، خوارش نخواهد ساخت.» (۹)

**پرده هفتم:
ریش سلمان یا دم سگ**

روزی شخصی در مدائن به سلمان فارسی که حاکم آنجا بود گفت: «ای سلمان! ریش تو با ارزش‌تر است یا موی دم سگ من.»
سلمان اندکی تأمل کرد و فرمود: «اگر ریش من از پل صراط رد شد، ریش من، و گرنه موی دم سگ تو!» (۱۰)

**پی‌پرده:
راه نجات**

لواحه می‌گفت: تنها راه پاکی و عوض کردن طبیعی که به کثیفی عادت کرده است و ترک این زندگی سوسکی!!! آن است که سحر به حمام «توبه نصوح» بروی. (۱۱)

پی‌پوست‌ها:

- ۱- «فَإِذَا أَلَيْسَ بِالْمُؤْمِنَةِ» و قسم به نفس بسیار ملامت کننده سوره قیامت آیه ۲
- ۲- رسول خدا(ص) فرمود: مؤمن هر گاه بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته او را لعنت می‌کنند و از درونش بویی خارج می‌گردد که تا عرش می‌رسد و حاملان عرش او را لعنت می‌نمایند، خداوند برای آن گناه هفتاد زنا برای او می‌نویسد که بدست‌ترین آن‌ها زنا با مادرش می‌باشد. مستدرک الوسائل ج ۹ ص ۸۶
- ۳- «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَلَمْ تَكُنْ أَنْ تَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» - و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید» سوره حجرات آیه ۱۲

۴- بر اساس آیات و روایات هر گناه باطن کثیفی دارد و گنهکار در قیامت آن را درک می‌کند.

۵- تسلسل گناهکار باعث آلودگی دیگران می‌گردد. به همین دلیل در سوره ناس برای پناه بردن به خدا از شر آن‌چه انسان را آلوده می‌کند می‌فرماید بگو: «مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ»
«وَخَسَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» - خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آن‌هاست. سوره بقره آیه ۷

۶- آثار گناهان صفحه ۲۵
۷- ۲۵۷۷ مَن كَانَتْ هَيْئَتُهُ مَا يَدْخُلُ بَعْضُهُ كَانَتْ قِيَمَتُهُ مَا يُخْرَجُ مِنْهُ (۵/۳۷۷). تصنیف غررالحکم و درر الکلم
۸- «من کرمت علیه نفسی ستم پهنای بالمعصیة غررالحکم، صفحه ۶۷۷
۹- اندرز نامه

۱۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص امید است (بسا این کار) پروردگارتان گناهانتان را بیخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند. سوره تحریم آیه ۸

